

تحلیل چالش‌های اجرای خط‌مشی عمومی با تأکید بر مشارکت شهروندان (مورد مطالعه: قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کشور)

داود حسین پور^۱ - مهدی الوانی^۲ - حسین اصلی‌پور^۳ - عقیل قربانی پاجی^{۴*}

چکیده

زمینه: جلب مشارکت عمومی یکی از ارکان کلیدی در موفقیت خط‌مشی‌های عمومی و از جمله آن خط‌مشی‌های محیط‌زیست محسوب می‌شود.

هدف: این پژوهش با هدف بررسی چالش‌های مشارکت شهروندان در اجرای خط‌مشی با تمرکز بر حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کشور صورت گرفت.

روش: استراتژی اصلی پژوهش، بهره‌گیری هم‌زمان از روش کیفی تحلیل مضمون و روش کمی مدل‌سازی ساختاری - تفسیری به صورت آمیخته متوالی بوده است. در بخش تحلیل مضمون پژوهش، نمونه پژوهش کارشناسان (سطح تحصیلی دکتری) و مدیران اجرایی در حوزه‌های مدیریت دولتی از جمله مدیران سازمان حفاظت محیط‌زیست، منابع طبیعی و جنگل با معیاری مانند ۲۰ سال سابقه کاری در حوزه محیط‌زیست و جنگل و همچنین از اساتید دانشگاه با جایگاه هیئت‌علمی و حداقل سطح دانشیار ملاک انتخاب بوده است که در نهایت نه نفر از آن‌ها به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در زمینه نمونه‌گیری تحلیل مضمون و مدل‌سازی ساختاری - تفسیری رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و نظری استفاده شد. از ابزار مصاحبه برای تحلیل مضمون و از ابزار پرسشنامه برای اجرای رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری استفاده شده است. در بخش کمی ۱۱ پرسشنامه در اختیار خبرگان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان‌های مازندران، گیلان و گلستان قرار گرفت.

یافته‌ها: در بخش کیفی در این پژوهش ۱۷۱ مضمون پایه، ۱۷ مضمون سازمان دهنده و ۶ مضمون فراگیر شامل چالش‌های سیاسی، فرهنگی، ارتباطی، اقتصادی، حقوقی و فنی شناسایی شده است. مدل نهایی حاصل از رویکرد مدل‌سازی تفسیر ساختاری در ۵ سطح تشکیل شده است که فقدان حکمرانی جنگل در سطح پنجم تأثیرگذارترین سطح می‌باشد و چالش‌های سیاسی، فقدان ارتباطات و نشر دانش حوزه جنگل برای ذی‌نفعان، ضعف نزدیکی بین دولت و دستگاه‌های اجرایی - شهروندان و فقدان انگیزش در جوامع محلی برای مشارکت تأثیرپذیرترین سطح در مدل طراحی شده می‌باشد. تحلیل شدت نفوذ و وابستگی با استفاده از MICMAC نشان می‌دهد که فقدان حکمرانی جنگل و چالش‌های سیاسی از نوع متغیرهای مستقل هستند؛ از طرف دیگر متغیرهایی مانند فقدان برنامه‌ریزی پایین به بالا، ضعف آموزش‌های روان‌شناختی، فقدان انگیزش در جوامع محلی برای مشارکت، فقدان ارتباطات و نشر دانش حوزه جنگل برای ذی‌نفعان و ... از نوع متغیرهای رابط هستند که هر تغییر کوچکی بر روی این متغیرها باعث تغییرات اساسی در مدل مذکور می‌شود.

نتیجه‌گیری: رویکرد مشارکتی مبتنی بر حکمرانی جنگل، سبب انگیزه همکاری مردم محلی و سایر ذی‌نفعان در اعمال قوانین کنترل جنگل با دولت می‌شود.

واژگان کلیدی: خط‌مشی‌های محیط‌زیست، مشارکت شهروندان، اجرای خط‌مشی، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کشور.

^۱ دانشیار، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. dhp748@gmail.com

^۲ استاد، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. sralvani@gmail.com

^۳ استادیار، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. aslipour@gmail.com

^۴ دانشجوی دکتری، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول):

مقدمه

هدف اصلی مدیریت جنگل در هر کشوری معمولاً دستیابی به مدیریت پایدار منابع جنگلی و همچنین خودکفایی در تولیدات جنگلی به‌ویژه چوب است (اسو و بابالولا^۱، ۲۰۲۱). شمال کشور زیستگاه گونه‌های جنگلی هیرکانی است که متأسفانه به دلیل رشد سریع جنگل‌زدایی، از اندازه این جنگل‌ها سالانه بسیار کاسته می‌شود (میرزایی زاده و همکاران^۲، ۲۰۱۶). به‌طورکلی کاهش کمی و کیفی جنگل‌ها را جنگل‌زدایی می‌نامند. مناطق خشک و نیمه‌خشک بیشتر در معرض تخریب منابع طبیعی هستند (آرچر^۳، ۱۹۹۰ به نقل از جامیسون - دانیل و همکاران^۴، ۲۰۲۱). جنگل‌های شمال کشور که به‌عنوان جنگل‌های هیرکان طبقه‌بندی می‌شوند از نظر اندازه، مسائل زیست‌محیطی و حفاظت از منابع آب‌و‌خاک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. این جنگل‌ها در دهه‌های گذشته به دلیل تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی و عدم مدیریت همه‌جانبه منابع طبیعی، ظرفیت تولید خود را از دست داده‌اند (مهدوی و فلاح‌شمسی^۵، ۲۰۱۲). با توجه به نقش جنگل‌ها در حفاظت از خاک و جلوگیری از فرسایش‌های مختلف و نیاز به حفاظت از این جنگل‌ها، آگاهی از میزان و محل تخریب و ارائه مدل تخریب برای پیش‌بینی مناطق آسیب‌پذیر برای برنامه ریزان و مدیران منابع طبیعی کاملاً ضروری است (امینی و همکاران^۶، ۲۰۰۹). هرگونه برنامه‌ریزی برای تعیین شدت خسارات وارده به جنگل‌ها در مناطق مختلف و جلوگیری یا کاهش سرعت آن نیاز به مطالعاتی برای تعیین علل جنگل‌زدایی و همچنین عوامل مؤثر بر آن‌ها دارد. چندین مطالعه برای شناسایی عوامل مؤثر محیطی، تعیین میزان تخریب ناشی از این عوامل و مدل‌سازی تغییرات مختلف در استفاده از زمین و جنگل‌زدایی بررسی شده است (سلمان‌ماهینی و غلامی‌فرد^۷، ۲۰۰۵؛ حسین‌زاده و همکاران^۸، ۲۰۱۳).

در چند سال اخیر در بسیاری از نقاط جهان تغییری به سمت یک سیستم مدیریت جنگل جدید بر اساس مشارکت مردم محلی صورت گرفته است. این مفهوم دارای نام‌های مختلفی مانند مدیریت جنگل مبتنی بر جامعه، مدیریت مشارکتی جنگل، مدیریت مشترک جنگل و جنگلداری اجتماعی است. سه اصل اصلی در این سیستم جدید مدیریت جنگل اعمال می‌شود: (۱) مردم محلی باید در فعالیت‌های مدیریت جنگل مشارکت داشته باشند (۲) مردم محلی حقوق و تعهدات قانونی برای شرکت در فعالیت‌های مدیریت جنگل دارند (۳) نیاز به مشارکت فعال مردم محلی در تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌هایی برای توسعه وجود دارد تا به یک سیستم مدیریت جنگل دست یابد که از نظر اقتصادی امکان‌پذیر، از نظر اجتماعی سازگار و از نظر زیست‌محیطی مناسب باشد (سوهارتی^۹، ۲۰۰۱). اسلام و همکاران (۲۰۱۵) اشاره کردند که اهمیت جوامع محلی در تلاش‌ها برای اجرای خط‌مشی‌های حوزه جنگل برجسته شده است. اساساً، مشارکت شهروندان در اجرای قانون و مدیریت مشارکتی جنگل یک ترتیب متقابل است که به دنبال ترویج استفاده پایدار از جنگل و محصول آن با بهبود قابل‌توجه رفاه اقتصادی افرادی است که به جنگل وابسته هستند. در حصول اطمینان از انطباق با این مقررات، جنگل حاشیه‌ای جامعه به‌عنوان یک ذینفع ضروری شناخته شد. در سطح محلی، جوامع موظف به نظارت بر انطباق با موافقت‌نامه‌های مسئولیت اجتماعی، کاهش آره‌برقی غیرقانونی چوب، مشارکت فعال در تخصیص الوار به چوب بران و غیره، با هدف مدیریت خوب جنگل بودند (درکی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۱).

عمده برنامه‌های صیانت دولت در کاهش و توقف عوامل مهم تخریب جنگل از جمله خروج دام، تشدید مبارزه با قاچاق چوب جایگزینی سوخت‌های فسیلی و بالاخره گسترش حوزه نظارت بود و از آنجایی که بیشتر چریش مصوبه‌های دولت در حوزه جنگل سیاسی هست تا قانونی، به جهت تغییر دولت‌ها و سیاست‌ها هیچ‌گاه قوانین مصوب اجرایی نمی‌شوند. در طی این سال‌های در تمام برنامه‌های پنج‌ساله توسعه به جنگل توجه شده است و در آخرین

¹ Oso & Babalola

² Mirzaei Zadeh et al

³ Archer

⁴ Jamison-Daniels

⁵ Mahdavi & Fallah Shamsi

⁶ Amini et al

⁷ Salman Mahiny & Gholamifard

⁸ Hosseinzadeh et al

⁹ Suharti

¹⁰ Derkyi et al

مورد آن‌هم در ماده ۳۸ (در ابتدا در ماده ۳۸ و بند ف قانون تنفس جنگل مطرح‌شده بود که در اصلاحیه ماده ۴۸ هم به آن اشاره‌شده است) برنامه ششم توسعه طرح تنفس جنگل مطرح‌شده است که بهره‌برداری از جنگل را به مدت ۱۰ سال موفق کرده است که بتواند روند تخریب جنگل را کاهش دهد، ولی یکی از مهم‌ترین دلایل ضعف در اجرای قوانین حوزه جنگل فقدان سازوکاری برای مشارکت شهروندان در اجرای خط‌مشی‌های زیست‌محیطی و علی‌الخصوص حوزه جنگل‌های شمال کشور می‌باشد که در این حوزه چالش‌های اساسی در حوزه مشارکت شهروندان وجود دارد؛ بنابراین سؤال اصلی این پژوهش بر این نکته می‌باشد که مهم‌ترین چالش‌های حوزه مشارکت شهروندان در حوزه اجرای خط‌مشی حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کشور چیست؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع: قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مشتمل بر ۵ فصل، ۶۷ ماده و ۵۰ تبصره در جلسه روز سه‌شنبه بیستم تیرماه یک هزار و سیصد و چهل‌وشش به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود در جلسه فوق‌العاده روز چهارشنبه بیست و پنجم مردادماه یک هزار و سیصد و چهل‌وشش شمسی به تصویب مجلس سنا رسید. در طی این سال‌های اصلاحیه‌های متعددی از این قوانین صورت گرفته است که در سال‌های ۱۳۴۸، ۱۳۵۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۳، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۶ بوده است و بندهایی از این قانون دچار تغییراتی شده است.

مشارکت شهروندان: تحقیقات در مورد مشارکت شهروندان در مدیریت دولتی طی دو دهه گذشته پیشرفت قابل توجهی داشته است (گونت و بارت، ۲۰۱۲؛ ردیک، ۲۰۱۱؛ رویو، یتانو و آسرت، ۲۰۱۱). محققان و دست‌اندرکاران بر مشارکت شهروندان در مدیریت دولتی به‌عنوان ابزاری برای همکاری بین دولت و شهروندان برای ارتقای ارزش‌های دموکراتیک مانند شفافیت و پاسخگویی

تأکید کرده‌اند (کیم و لی^۲، ۲۰۱۹). کوپر و همکاران^۳ (۲۰۰۶) همچنین استدلال کردند که راهبردهای کنش مشورتی و جمعی مشارکت مدنی امیدوارکننده‌ترین راه‌ها برای مشارکت عمومی و تمرکز مدیریت عمومی بر نگرانی‌های شهروندان است. علاوه بر این، چندین محقق تأکید کرده‌اند که فراهم کردن فرصت‌های بیشتر برای مشارکت شهروندان و ورودی در ارزیابی عملکرد و سیاست‌گذاری دولت، یک استراتژی مهم برای بهبود اعتماد به دولت است (کیم و لی، ۲۰۱۹). در همین حال، مجموعه رو به رشدی از ادبیات تلاش‌های دولت برای مهار فناوری‌های جدید به‌منظور ترویج مشارکت بیشتر شهروندان در شکل‌گیری و ارزیابی سیاست‌ها و ایجاد تبادل اطلاعات قوی‌تر بین شهروندان و دولت را تشریح کرده‌اند (مکینتوش و وایت^۴، ۲۰۰۸). به لطف در دسترس بودن کانال‌های ارتباطی جدید مانند اینترنت، تلفن‌های همراه و رسانه‌های اجتماعی، بسیاری از دولت‌ها اشکال مختلفی از برنامه‌های مشارکت الکترونیکی (مشارکت الکترونیکی) را اتخاذ کرده‌اند، از جمله انجمن‌های آنلاین، اتاق‌های گفتگوی مجازی، هیئت منصفه الکترونیکی و نظرسنجی‌ها الکترونیکی (بانک جهانی^۵، ۲۰۱۷). با توجه به افزایش گفتمان پیرامون مشارکت شهروندان در کشورهای توسعه‌یافته و همچنین در حال توسعه، تحقیقات در مورد نتایج مشارکت شهروندان افزایش یافته است. گونت و بارت^۶ (۲۰۱۲) بر اساس مروری بر ادبیات تحقیق در مورد مشارکت شهروندان، نتایج مثبت (مثلاً گنجاندن بازیگران و مسائل جدید در فضاهای عمومی) و منفی (به‌عنوان مثال، تقویت سلسله‌مراتب اجتماعی و پردرشدگی) را از مشارکت شهروندان شناسایی کردند. بسته به زمینه حاکمیتی آن‌ها به این نتیجه رسیدند که فرض یک رابطه خطی بین مشارکت شهروندان و افزایش پاسخگویی و پاسخگویی در دولت دشوار است.

اجرای خط‌مشی: با آنکه عمر مطالعات انجام‌شده در زمینه خط‌مشی‌گذاری عمومی بیش از چند دهه نیست،

² Kim, & Lee

³ Cooper et al

⁴ Macintosh & Whyte

⁵ World Bank

⁶ Gaventa and Barrett

¹ Gaventa & Barrett, 2012; Reddick, 2011; Royo, Yetano, & Acerete, 2011

از آن‌ها نظریه‌های ادوارد^۴، گریندل^۵ و مزمانیان و ساباتیئر^۶ هستند. نکته جالب در مورد تئوری‌های اجرای خطمشی این است که هر متخصص با نظریه‌های خود تمرکز و تأکید متفاوتی بر روی موفقیت اجرای یک خطمشی دارد. ادوارد به‌عنوان یکی از کارشناسان تأکید کرد که موفقیت اجرای خطمشی بر اساس چهار متغیر تعیین‌کننده شامل ارتباطات، منابع، روندها و رفتار و ساختار بوروکراتیک تعیین می‌شود. گریندل نیز در همان سال نظر خود را در مورد چگونگی اجرای موفقیت‌آمیز یک خطمشی بیان کرد. در مقابل ادوارد، گریندل تأکید کرد که موفقیت اجرای یک خطمشی را می‌توان از دو متغیر مشاهده کرد، یعنی مناسب بودن طراحی خطمشی و اجرای آن که به اقدامات خطمشی‌ها و دستیابی به اهداف خطمشی با نگاهی به تأثیرات آن به جامعه اشاره می‌کند. از سوی دیگر، مزمانیان و ساباتیئر معتقدند که اجرای واقعی خطمشی تحت تأثیر سه عامل اصلی، یعنی ویژگی‌های مسئله (کنترل آسان یا غیرقابل کنترل بودن یک مشکل)، ویژگی‌های خطمشی (توانایی سیاست‌ها در ساختار اجرا) است؛ و متغیرهای محیطی (متغیرهای خارج از خطمشی که بر فرآیند اجرا تأثیر می‌گذارند). علاوه بر سه مدل برای اجرای سیاست، یک مثلث چارچوب تحلیل خطمشی نیز وجود دارد. مثلث تحلیل خطمشی چهار جنبه اصلی را در بحث یک خطمشی برجسته می‌کند که شامل محتوا، زمینه، فرآیند و بازیگران است (مبارک و همکاران^۷، ۲۰۲۰).

مشارکت مردم محلی و حفظ جنگل: بسیاری از محققان استدلال می‌کنند که علت اصلی مسائل زیست‌محیطی اقدامات خود انسان‌هاست (بیژنی و همکاران^۸، ۲۰۱۷؛ سالاری و همکاران^۹، ۲۰۱۹؛ منفرد و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۵). به همین دلیل است که عصر مدرن به‌عنوان عصر بحران‌های زیست‌محیطی شناخته می‌شود؛ زیرا استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی خسارات

اما رویکردها و دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه مطرح شده است. دای^۱ (۲۰۱۳) خطمشی‌گذاری عمومی را هر آن چیزی تعریف می‌کند که حکومت‌ها انتخاب می‌کنند انجام دهند یا ندهند. ویلسون و همکاران^۲ (۲۰۰۶) نیز مطرح می‌کنند که خطمشی‌گذاری عمومی مجموعه اقدامات، اهداف و اعلامیه‌های دولت‌ها در مورد موضوعی خاص یا گام‌هایی است که برای اجرای آن‌ها (شکست آن‌ها) در پیش می‌گیرند (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۰). یکی از مراحل عمده فرایند خطمشی‌گذاری، مرحله اجرا است که در آن اغلب به توسعه یک خطمشی یا بیان گسترش بیشتر آن پرداخته می‌شود (قره داغی و همکاران، ۱۳۹۷) که در واقع مهم‌ترین مرحله بعد از خطمشی‌گذاری اجرای موفق آن است (یوگوانی^۳، ۲۰۱۳) و مدت‌ها است که اجرا به‌عنوان یک مرحله مشخص در این فرایند به رسمیت شناخته شده و مرحله‌ای منحصر به فرد است که معرف تبدیل یک ایده یا توقع یا انتظارات برای اقدام با هدف رفع مشکلات اجتماعی است (ترکیان و همکاران، ۱۴۰۱). اجرای خطمشی عبارت است از فرآیندی که در آن، برنامه‌ها یا خطمشی‌ها به مورد اجرا درمی‌آید. مرحله‌ای که نشان می‌دهد طرح‌ها چگونه عملی می‌شوند. اجرای خطمشی به عملیات و اقدامات سازمان‌ها و مؤسسات مجری و چگونگی انجام دادن آن‌ها اطلاق می‌شود. این عملیات و اقدامات موجب پیاده‌سازی برنامه‌ها و رویه‌های تعیین‌شده در مرحله شکل‌گیری خطمشی می‌گردد، اجرای خطمشی در واقع اجرای قانون است که در آن سازمان‌ها و کارکنان با تلاش خود، اهداف یک برنامه یا خطمشی را به نتایج مطلوب و مثبت متصل می‌کنند (ابراهیمیان و همکاران، ۱۴۰۱).

اجرای خطمشی یک فرآیند به همان اندازه مهم در تدوین خطمشی در زمینه دستیابی به اهداف خطمشی است. اگرچه یک خطمشی بسیار خوب و منظم تنظیم شده است، اما اگر خطمشی به‌درستی اجرا نشود، هرگز هدف خطمشی محقق نخواهد شد. تئوری‌ها و مدل‌های مختلفی از اجرای خطمشی وجود دارد. سه مورد

⁴ Edward

⁵ Grindle

⁶ Mazmanian & Sabatier

⁷ Mubarok et al

⁸ Bijani

⁹ Salari

¹⁰ Bijani et al. 2017; Salari et al. 2019; Monfared et al. 2015

¹ Dye

² Wilson et al

³ Ugwuanyi

اصلی زیربنای مشارکت جوامع محلی در حوزه جنگل را شامل وابستگی کمتر به جنگل‌ها برای امرارمعاش، درآمد بالاتر خارج از جنگل، تضمین سوخت برای فصل سرما، تعیین مرزهای جنگل با کمک مردم و توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های حفاظتی برای طرح‌های استفاده پایدار و بلندمدت از جنگل اشاره کرد (گلدمن و همکاران^۹، ۲۰۱۶).

اومبوگو و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی مشارکت جامعه محلی در برنامه‌ریزی مدیریت جنگل و آب در کنیا؛ چالش‌ها و فرصت‌ها پرداختند. سؤالاتی که به آن‌ها پرداخته شده است عبارت‌اند از: محتوای طرح‌ها چگونه تعیین می‌شود؟ موانع اجرا چیست؟ چگونه می‌توان محتوا و اجرا را برای حمایت از مدیریت مشترک جنگل و آب بهبود بخشید؟ علیرغم پیوندهای نزدیک آن‌ها، حکمرانی آب و جنگل از هم جدا است، زیرا رویکردهای بخشی در سطح ملی به صورت محلی کاهش می‌یابد. روند توسعه طرح‌ها باید یک چشم‌انداز یکپارچه داشته باشد. یک‌راه عملی روبه‌جلو، بهبود فرآیندهای جاری، با تضمین مشارکت محلی و ایجاد مالکیت محلی از طریق تسهیل و مشارکت بهتر اعضای جامعه، از جمله زنان است. این شامل ادغام مشارکت‌کنندگان جامعه از هر دو حوزه در برنامه‌ریزی مدیریت جنگل و آب است.

سواری، دامنه و دامنه^{۱۱} (۲۰۲۰) در مطالعه خود به بررسی عوامل اثرگذار بر مشارکت مردم محلی در مدیریت پایدار جنگل پرداختند. نتایج نشان داد که نزدیک به ۷۰ درصد جوامع محلی به‌اندازه کافی در مدیریت پایدار جنگل شرکت ندارند. علاوه بر این، نتایج رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که از بین ۲۵ متغیر مورد مطالعه، ۱۰ متغیر (آموزش، مشارکت جوامع محلی، گسترش روش‌های حفاظت از جنگل، نگرش مطلوب نسبت به مدیریت پایدار، کاهش وابستگی معیشت به جنگل، افزایش درآمد غیر از جنگل، استفاده غیرمستقیم از جنگل، بهبود دانش و آگاهی بهره‌برداران، کانال‌های اطلاعاتی و منابع، تعیین مرزهای جنگل با مشارکت مردم) تأثیر مثبت و قابل توجهی بر مشارکت مردم در مدیریت پایدار جنگل‌ها

جبران‌ناپذیری به منابع طبیعی وارد کرده است (سواری و قره‌چای^۱، ۲۰۲۰؛ آزادی و همکاران^۲، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، برای دستیابی به توسعه پایدار و حفاظت از منابع جنگلی، جلب مشارکت همه مردم، به‌ویژه کسانی که از منابع طبیعی استفاده می‌کنند، ضروری است (مارچی و همکاران^۳، ۲۰۱۸). محققان بر مشارکت جوامع محلی در استفاده صحیح و پایدار از منابع جنگلی متمرکز شده‌اند و برنامه‌هایی را برای جلب مشارکت جوامع روستایی به‌عنوان ذی‌نفعان کلیدی محیط‌زیست و منابع طبیعی توسعه داده‌اند (فائو^۴، ۲۰۱۵). آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که جوامع محلی نقش عمیقی در توقف تخریب جنگل ایفا می‌کنند. در حال حاضر، مشارکت تنها راه برای کاهش مسائل زیست‌محیطی است (الیوت و یانگ^۵، ۲۰۱۶؛ سواری و همکاران، ۲۰۲۰).

یک کار تحقیقاتی در زمینه مشارکت پایدار جوامع محلی در جنگل‌ها به این نتیجه رسید که عوامل مؤثر اصلی در مدیریت پایدار جنگل شامل اجرای برنامه جنگل‌زدایی، مشارکت جوامع محلی، ایجاد فرهنگ مناسب و ترویج شیوه‌های حفاظت از جنگل‌ها می‌باشد (جعفری و همکاران^۶، ۲۰۱۸). در مطالعه‌ای در مورد چگونگی تقویت رفتار دوستدار محیط‌زیست، عوامل اصلی شامل بهبود دانش و آگاهی کاربران، کانال‌ها و منابع اطلاعاتی، تقویت شایستگی‌های اجتماعی جنگل‌ها، برنامه پایدار و بلندمدت برای استفاده از جنگل‌ها و ایجاد و توانمندسازی نهادهای نظارتی عمومی و غیردولتی شناسایی شده است (کاسالو و اسکاریو^۷، ۲۰۱۸). بررسی موانع مشارکت جوامع محلی در پروژه‌های احیای جنگل‌ها و اراضی تخریب‌شده، عوامل اجتماعی از جمله سرنوشت‌گرایی، مشکلات جوامع محلی، عدم تمایل به بهبود وضعیت موجود و نادیده گرفتن موقعیت زنان را از موانع اصلی گزارش شد (منکونی و همکاران^۸، ۲۰۱۷). در مطالعه دیگری در تانزانیا، عوامل

¹ Savari & Gharechae

² Savari and Gharechae 2020; Azadi et al. 2019

³ Marchi et al

⁴ FAO

⁵ Elliott and Young

⁶ Jafari et al

⁷ Casalo and Escario

⁸ Menconi et al

⁹ Goldman et al

¹⁰ Ombogoh et al

¹¹ Savari, Damaneh, & Damaneh

داشته است و ۷۰ درصد از واریانس کل عوامل را به خود اختصاص داد.

یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در طرح‌های حفاظت از جنگل در شهرستان گیلان غرب پرداختند. پژوهش از نوع مطالعات کمی و مبتنی بر روش تحقیقات توصیفی-همبستگی است که به شیوه مطالعات پیمایشی انجام شده است. در این تحقیق روستاهای شهرستان گیلان غرب در استان کرمانشاه به عنوان منطقه مورد بررسی انتخاب شد. جامعه آماری شامل ۵۵۰ نفر از مردان و زنان روستایی ساکن در منطقه بود که با استفاده از جدول نمونه‌گیری گرجسی و مورگان تعداد ۲۲۰ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه تحقیق تعیین شدند. یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه معنی‌داری بین متغیرهای مستقلی نظیر سن، سطح سواد، جنسیت، شغل، تعداد دام، ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی مردم، میزان وابستگی اقتصادی مردم به جنگل، وضعیت ارتباطات سازمانی و میزان دانش و اطلاعات مردم در زمینه جنگل با میزان مشارکت آن‌ها در طرح‌های حفاظت از جنگل به عنوان متغیر وابسته این تحقیق وجود دارد. افزون بر این، مشخص شد که سطح مشارکت در بین افراد مورد مطالعه در سطح پایینی قرار دارد.

روش تحقیق

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر، اکتشافی بوده و به دنبال تحلیل ساختاری - تفسیری از چالش‌های مشارکت شهروندان در اجرای خط‌مشی حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کشور است و متناسب با هدف و مسئله مورد نظر، استراتژی اصلی پژوهش، کثرت‌گرایی روش‌شناختی با بهره‌گیری هم‌زمان از دو روش کیفی و کمی (به صورت متوالی) است. در پژوهش حاضر در بخش کیفی و با هدف شناسایی و استخراج چالش‌های مشارکت شهروندان در اجرای خط‌مشی حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کشور از روش «تحلیل مضمون» و در بخش کمی به منظور سطح‌بندی عوامل شناسایی شده و نیز تبیین ارتباط میان آن‌ها از روش «مدل‌سازی ساختاری - تفسیری» استفاده شده است.

جمع‌آوری و نمونه‌گیری داده‌ها: در بخش تحلیل مضمون پژوهش، کارشناسان (سطح تحصیلات دکتری) و مدیران اجرایی در حوزه‌های مدیریت دولتی از جمله مدیران سازمان حفاظت محیط‌زیست، مدیران حوزه منابع طبیعی و جنگل با معیاری مانند ۲۰ سال سابقه کاری و اساتید دانشگاه، با مدرک معتبر هیئت‌علمی و حداقل سطح دانشیار به عنوان جامعه پژوهش انتخاب شدند. در نهایت در بخش کیفی پس از مصاحبه با نفر نهم اشباع نظری حاصل شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در بخش کیفی با رویکرد تحلیل مضمون، مصاحبه نیمه ساختاریافته بوده است. در زمینه نمونه‌گیری ISM از نمونه‌گیری هدفمند و نظری اتخاذ شد که بدین منظور ۱۱ پرسشنامه در اختیار خبرگان تحقیق قرار گرفت؛ لازم به ذکر است که در این راستا تنها از نظرات مدیران اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مازندران، گیلان و گلستان و معاونان آن‌ها استفاده شده است. از ابزار پرسشنامه برای اجرای رویکرد مدل‌سازی تفسیر ساختاری استفاده شده است که پرسشنامه مدل‌سازی ساختاری-تفسیری با روش مرسوم تدوین پرسشنامه که به صورت طیف لیکرت است؛ طراحی نمی‌شود. در واقع برخلاف پرسشنامه‌های سنجش نگرش در اینجا از طیف لیکرت استفاده نمی‌شود. این پرسشنامه در واقع یک ماتریس است که برای گردآوری دیدگاه خبرگان استفاده می‌شود. این پرسشنامه بر اساس مقادیر صفر و یک طراحی می‌شود.

در این پژوهش، برای اطمینان از پایایی در مصاحبه‌های بخش کیفی از روش باز آزمون^۱ استفاده شده است: برای محاسبه پایایی باز آزمون از میان مصاحبه‌های انجام شده، چند مصاحبه نمونه، انتخاب شده و کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها باهم مقایسه شده‌اند. روش باز آزمایی برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به کار می‌رود ولی با این اشکال روبه‌رو است که نتایج حاصله از آزمون مجدد می‌تواند تحت تأثیر تجربه و حافظه کدگذار قرار گرفته و منجر به تغییر در قابلیت اعتماد شوند. کدهایی که در دو فاصله زمانی مشابه بودند به عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان غیر

^۱ Test-Retest Reliability

توافق مشخص شده‌اند. روش محاسبه پایایی به صورت زیر است:

$$\text{تعداد توافتات} \times 100 = \frac{\text{تعداد کل داده‌ها}}{\text{درصد پایایی}} \times 2$$

در این پژوهش سه مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند و بافاصله زمانی سه هفته مجدداً کدگذاری شده‌اند؛ با توجه به این که میزان پایایی باز آزمون ۷۷ درصد است و این مقدار بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری مورد قبول است.

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

گام نخست: تبیین ابعاد (عناصر). از آنجا که مضامین استخراج شده در روش تحلیل مضمون نهایتاً در خدمت روش الگوسازی ساختاری - تفسیری قرار می‌گیرد و بر اساس مراحل این روش سطح‌بندی می‌شود، در این بخش، یافته‌های پژوهش مبتنی بر مراحل مورد نظر در روش ISM ارائه شده است. الگوسازی ساختاری - تفسیری با شناسایی

متغیرها یا مضامینی شروع می‌شود که مربوط به مسئله یا موضوع باشند. این متغیرها از طریق مطالعه مبانی نظری موضوع یا از طریق مصاحبه با خبرگان به دست می‌آید که در این پژوهش، مضامین فراگیر از طریق مصاحبه با خبرگان با استفاده از روش تحلیل مضمون به دست آمده است:

با توجه به آنکه انعکاس مشروح کدگذاری‌های صورت گرفته در اینجا ممکن نیست صرفاً به نمونه‌هایی از اظهارات خبرگان اشاره شده است. جدول ۱، نشان‌دهنده نمونه کدها و اظهارات مصاحبه‌شوندگان در ذیل هر یک از مضامین بالا است.

در نهایت تجزیه و تحلیل حاصل از تحلیل مضمون نشان داده شده است که در این پژوهش ۱۷۱ مضمون پایه، ۱۷ مضمون فراگیر (اساس تجزیه و تحلیل کمی در این پژوهش) و ۶ مضمون فراگیر حاصل شده است که در جدول ۲ مضامین سازمان دهنده و فراگیر نشان داده شده است.

جدول ۱. نمونه‌های از فرآیند استخراج مضامین فراگیر

| فراگیر | سازمان دهنده | مضمون پایه | نمونه اظهارات خبرگان |
|------------------|---|--|--|
| چالش‌های ارتباطی | فقدان ارتباطات و نشر دانش حوزه جنگل برای ذی‌نفعان | فقدان نشر دانش و آگاه‌سازی حوزه جنگل برای ذی‌نفعان | «... یکی از نکاتی که توسط اداره کل منابع طبیعی غفلت می‌شود عدم برگزاری کارگاه‌های مختلف در حوزه حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کشور برای مردم محلی حاشیه جنگل و حتی افراد شورای روستا...» (A5) |
| چالش‌های حقوقی | چالش‌های حوزه تعاونی‌ها و NGO های حوزه جنگل | ضعف سازوکار درست برای تعاونی‌ها | «... باید به این نکته اذعان کرد که حاشیه‌نشین‌های حوزه جنگل مشارکتی در فرآیند انتخابات تعاونی‌های حوزه جنگل ندارند و به بازی گرفته نمی‌شوند...» (L8) |

جدول ۲. یافته‌های حاصل از بخش کیفی

| ردیف | مضمون سازمان دهنده | مضمون فراگیر | کد مضمون در نرم‌افزار |
|------|---|--------------|-----------------------|
| ۱. | چالش‌های سیاسی | سیاسی | (C1) |
| ۲. | چالش‌های نهادی | | (C2) |
| ۳. | فقدان حکمرانی جنگل | | (C3) |
| ۴. | عدم مشارکت نخبگان و نهادهای محلی در مدیریت جنگل حاشیه روستا | فرهنگی | (C4) |
| ۵. | چالش‌های اجتماعی - فرهنگی | | (C5) |
| ۶. | عدم توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی در حوزه مشارکت | | (C6) |
| ۷. | فقدان برنامه‌ریزی پایین به بالا | ارتباطات | (C7) |
| ۸. | ضعف آموزش‌های روان‌شناختی | | (C8) |
| ۹. | فقدان ارتباطات و نشر دانش حوزه جنگل برای ذی‌نفعان | | (C9) |
| ۱۰. | ضعف نزدیکی بین دولت و دستگاه‌های اجرایی و شهروندان | | (C10) |
| ۱۱. | ضعف در مشارکت تأمین مالی بخش خصوصی - دولتی | | (C11) |

| ردیف | مضمون سازمان دهنده | مضمون فراگیر | کد مضمون در نرم افزار |
|------|--|--------------|-----------------------|
| ۱۲. | فقدان انگیزش در جوامع محلی برای مشارکت | | (C12) |
| ۱۳. | فقدان چارچوب‌های قانونی از مشارکت ذی‌نفعان | حقوقی | (C13) |
| ۱۴. | فقدان «چشم‌انداز بلندمدت» و «سیاست‌گذاری» در حوزه مشارکت | | (C14) |
| ۱۵. | چالش‌های حوزه تعاونی‌ها و NGO های حوزه جنگل | | (C15) |
| ۱۶. | فقدان سازوکارهای فنی از مشارکت | فنی | (C16) |
| ۱۷. | چالش‌های مدل‌سازی کیفی از تصمیم | | (C17) |

۴ گام‌های مدل‌سازی ساختاری تفسیری

۱. تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM):
توانمند سازهای شناسایی شده وارد ماتریس خود تعاملی ساختاری می‌شوند. برای تعیین نوع رابطه میان توانمند سازها در این ماتریس، از روابط A^4 و O^3, X^2, V^1 استفاده می‌شود.
۲. تشکیل ماتریس دست‌یابی اولیه (RM): این ماتریس نمادهای روابط ماتریس SSIM را به اعداد صفر و یک تبدیل می‌کند.
۳. تشکیل ماتریس دستیابی نهایی: با شناسایی روابط ثانویه و اصلاح ماتریس دریافتی، ماتریس نهایی به دست می‌آید.
۴. تعیین سطح و اولویت متغیرها: پس از تعیین مجموعه دست‌یابی و مجموعه پیش‌نیاز برای هر عنصر و تعیین مجموعه مشترک، سطح‌بندی متغیرها انجام می‌شود.
۵. ترسیم مدل ساختاری تفسیری: این مدل بر اساس ماتریس دست‌یابی نهایی و سطوح تعیین‌شده ترسیم می‌شود.
۶. تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ وابستگی (روش میک مک^۵): جمع سطری مقادیر در ماتریس دست‌یابی نهایی برای هر عنصر، بیانگر میزان نفوذ و جمع ستونی، نشان‌دهنده میزان وابستگی خواهد بود.

نتایج پژوهش در بخش کمی

در این پژوهش، ابتدا ماتریس خود تعاملی ایجاد می‌شود. در ماتریس خود تعاملی از نمادهایی استفاده می‌شود که در گام ۱ شرح داده شد. برای استخراج این ماتریس از نظر خبرگان استفاده شده که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود. سپس بر اساس جدول ۲ ماتریس دستیابی اولیه بر اساس اعداد صفر و یک تشکیل می‌شوند و سپس روابط تعدی ایجادشده و ماتریس دستیابی نهایی تشکیل می‌شود. تمام درایه‌هایی که در این جدول 1* هستند در ماتریس اولیه مقدار صفر داشته‌اند. سپس از روی ماتریس دستیابی نهایی، بر اساس گام چهارم، مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز استخراج‌شده و معیارها سطح‌بندی می‌شوند. پس از مشخص شدن سطوح هریک از شاخص‌ها و با در نظر گرفتن ماتریس دست‌یابی نهایی، مدل ساختاری تفسیری ترسیم می‌شود. مدل نهایی در شکل ۱ مشاهده می‌شود. این مدل از ۵ سطح تشکیل شده است؛ که شاخص فقدان حکمرانی جنگل (C2) موجود در سطح پنجم تأثیرگذارترین سطح می‌باشد که به صورت مستقیم بر روی معیارهای سطح ۴ تأثیر می‌گذارد. ۴ معیار موجود در سطح اول تأثیرپذیرترین سطح می‌باشند.

تحلیل شدت نفوذ و وابستگی (MICMAC)

با استفاده از شدت نفوذ و وابستگی هریک از شاخص‌ها (جدول ۲)، می‌توان به گروه‌بندی شاخص‌ها با استفاده از روش تحلیل میک مک پرداخت (شکل ۲). بر این اساس معیارهای فقدان حکمرانی جنگل (C2) و چالش‌های سیاسی (C5) از نوع متغیرهای مستقل هستند. این متغیرها دارای وابستگی کم و هدایت بالا می‌باشند به عبارتی دیگر تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری کم از ویژگی‌های این متغیرها است. معیارهای ضعف در مشارکت تأمین مالی بخش خصوصی - دولتی (C1) و

^۱ اگر شاخص سطر i منجر به شاخص ستون j شود (شاخص سطر i بر روی شاخص ستون j تأثیر بگذارد).

^۲ اگر رابطه بین شاخص سطر i و ستون j دو طرفه باشد (هر دو روی هم تأثیر بگذارند).

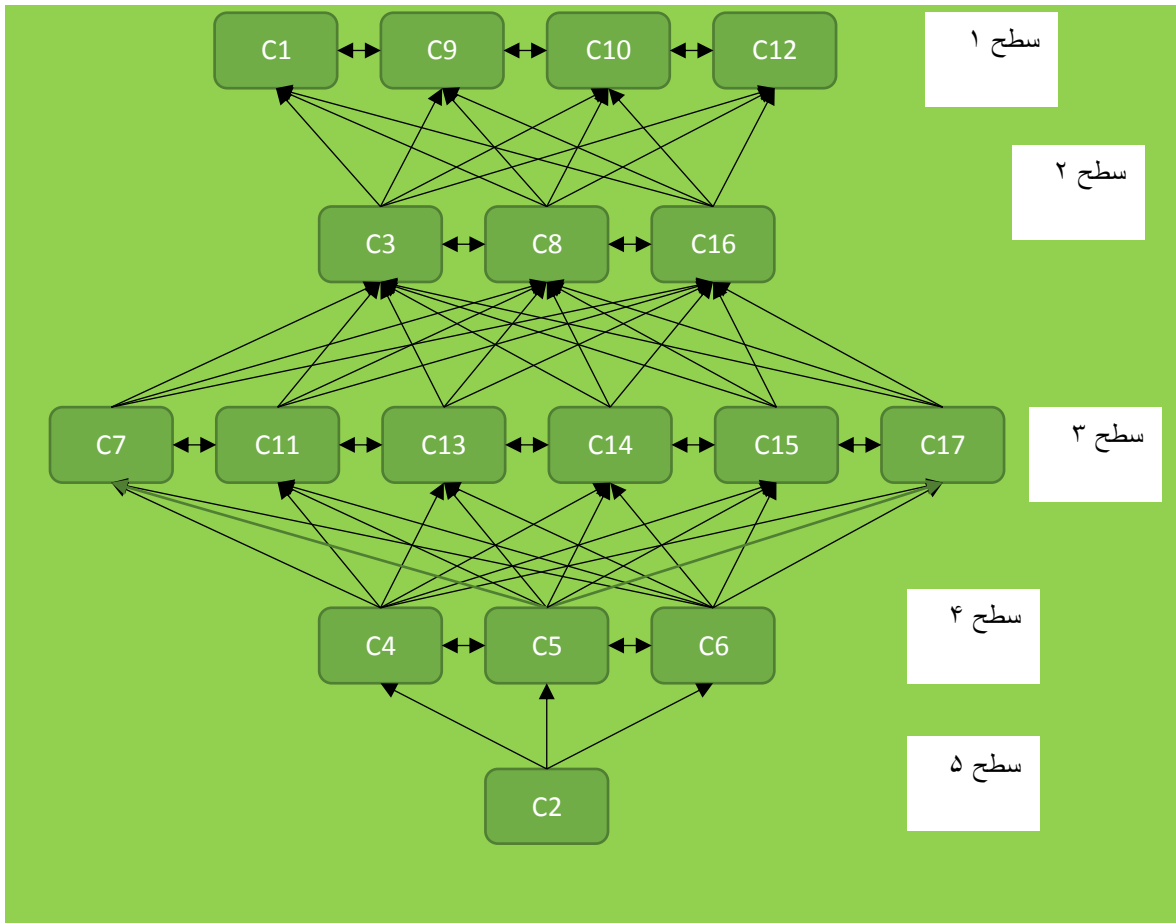
^۳ اگر بین شاخص سطر i و ستون j رابطه‌ای نباشد (هیچکدام بر روی هم تأثیر نگذارند).

^۴ اگر شاخص ستون j منجر به شاخص سطر i شود (شاخص ستون j بر روی شاخص سطر i تأثیر بگذارد).

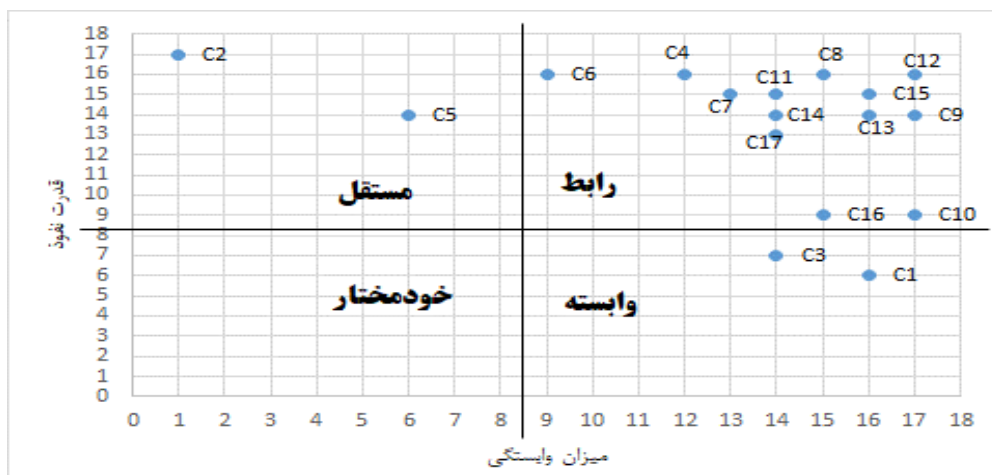
^۵ MICMAC

رابط هستند این متغیرها از وابستگی بالا و قدرت هدایت بالا برخوردارند به عبارتی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این معیارها بسیار بالاست و هر تغییر کوچکی بر روی این متغیرها باعث تغییرات اساسی در سیستم می‌شود.

فقدان ارتباطات و نشر دانش حوزه جنگل برای ذی‌نفعان (C3) از نوع وابسته است این متغیرها دارای وابستگی قوی و هدایت ضعیف هستند این متغیر اصولاً تأثیرپذیری بالا و تأثیرگذاری کمی روی سیستم دارند. مابقی معیارها از نوع



شکل ۱: مدل سطح‌بندی شاخص‌ها



شکل ۲: نمودار قدرت نفوذ و وابستگی

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف چالش‌های مشارکت شهروندان در اجرای خط‌مشی بر اساس رویکرد ساختاری تفسیری متناسب با قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کشور انجام گرفته است. این پژوهش بر اساس رویکرد آمیخته در بخش نخست با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون در نهایت ۱۷۱ مضمون پایه، ۱۷ مضمون فراگیر (اساس تجزیه و تحلیل کمی در این پژوهش) و ۶ مضمون فراگیر حاصل شده است که مضامین فراگیر در شش طبقه چالش‌های سیاسی، چالش‌های فرهنگی،

چالش‌های ارتباطی، چالش‌های اقتصادی، چالش‌های حقوقی و چالش‌های فنی دسته‌بندی شدند و سپس در بخش کمی با استفاده از رویکرد ساختاری - تفسیری به سطح‌بندی مضامین فراگیر شناسایی شده بر اساس نظر خبرگان پرداختیم. با استفاده از شدت نفوذ و وابستگی هریک از شاخص‌ها (جدول ۲)، به گروه‌بندی شاخص‌ها با استفاده از روش تحلیل میک مک پرداختیم که خروجی کامل آن در جدول ۳ و شکل ۲ یعنی نمودار قدرت نفوذ و وابستگی نشان داده شده است.

جدول ۳. یافته‌های حاصل از قدرت نفوذ و وابستگی

| مضمون فراگیر | کد | قدرت نفوذ و وابستگی | مضمون فراگیر | کد | قدرت نفوذ و وابستگی |
|--|-------|---------------------|--|-------|---------------------|
| چالش‌های نهادی | C2 | مستقل | چالش‌های سیاسی | C1 | وابسته |
| چالش‌های اجتماعی - فرهنگی | C5 | مستقل | فقدان حکمرانی جنگل | C3 | وابسته |
| عدم توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی | (C6) | رابط | ضعف نزدیکی بین دولت و دستگاه‌های اجرایی و شهروندان | (C10) | رابط |
| فقدان برنامه‌ریزی پایین به بالا | (C7) | رابط | ضعف در مشارکت تأمین مالی بخش خصوصی - دولتی | (C11) | رابط |
| ضعف آموزش‌های روان‌شناختی | (C8) | رابط | فقدان انگیزش در جوامع محلی برای مشارکت | (C12) | رابط |
| فقدان ارتباطات و نشر دانش حوزه جنگل برای ذی‌نفعان | (C9) | رابط | فقدان چارچوب‌های قانونی از مشارکت ذی‌نفعان | (C13) | رابط |
| فقدان «چشم‌انداز بلندمدت» و «سیاست‌گذاری» در حوزه مشارکت | (C14) | رابط | فقدان سازوکارهای فنی از مشارکت | (C16) | رابط |
| چالش‌های حوزه تعاونی‌ها و NGO های حوزه جنگل | (C15) | رابط | چالش‌های مدل‌سازی کیفی از تصمیم | (C17) | رابط |

(۲۰۰۸) و کالون و همکاران^۵ (۲۰۰۹)؛ تعریف درست از حکمرانی حوزه جنگل در پژوهش‌های اولسون و همکاران^۶ (۲۰۰۴)، جوردن، (۲۰۰۸)، یانگ^۷ (۲۰۱۰)؛ بهبود ارتباطات دوزگون^۸ (۲۰۰۳)، گامی در جهت حکمرانی جنگل هیگز و همکاران^۹ (۲۰۰۸)؛ نزدیکی بین دولت و دستگاه‌های اجرایی و شهروندان مندوزا و پرابهو (۲۰۰۵)

بررسی ادبیات پژوهش در حوزه مشارکت مردمی در اجرای خط‌مشی‌های زیست‌محیطی و حفاظت و مدیریت جنگل‌ها نشان می‌دهد که در منابع مختلف به صورت پراکنده به نقش مشارکت‌های مردمی در اجرای خط‌مشی‌های حوزه جنگل و محیط‌زیست اشاره شده است. تأمین مالی بخش خصوصی - دولتی در پژوهش گریمیسی و لوئیس^۱ (۲۰۰۴)، گارمستانی و همکاران^۲ (۲۰۰۸) و کولینز و همکاران^۳ (۲۰۱۱)؛ مشارکت ذی‌نفعان جوردن^۴،

⁵ Callon et al

⁶ Olsson et al

⁷ Young

⁸ Düzgün

⁹ Higgs et al

¹ Grimsey and Lewis

² Garmestani et al

³ Collins et al

⁴ Jordan

در پژوهش‌های خود به نقش مشارکت شهروندان در اجرای خط‌مشی اشاره کردند.

شدت نفوذ و وابستگی هر یک از مضامین فراگیر نشان می‌دهد که معیارهای فقدان حکمرانی جنگل (C2) و چالش‌های سیاسی (C5) از نوع متغیرهای مستقل هستند؛ به عبارتی دیگر تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری کم از ویژگی‌های این متغیرها است.

اجرای خط‌مشی نیاز به اقدام هماهنگ ذی‌نفعان در مقیاس‌های مکانی و زمانی، از طریق آرایش شبکه‌ای از سطوح دولتی، مؤسسات تحقیقاتی، سازمان‌های بهره‌بردار و ...، چارچوب‌های قانونی مؤثر و ترتیبات نهادی خاصی نیاز دارد. راهبرد همکاری به دلیل مشارکت دادن تمام ذی‌نفعان و کنشگران مرتبط با مسئله، راهبرد موفقی است. این راهبرد همکاری جویانه را می‌توان در حکمرانی جنگل جست و جو کرد. حکمرانی جنگل به‌طور فزاینده‌ای مسئله‌ای پیچیده است و ایجاد ابزارهایی جهت ارزیابی و پایش ظرفیت فرایند حکمرانی برای برخورد با چنین پیچیدگی حیاتی است. مدیریت جنگل در ایران با رویکرد از بالا به پایین توسط سازمان جنگل‌ها اعمال می‌شود و جوامع محلی و دیگر کنشگران در عرصه جامعه مدنی و بخش خصوصی نقش پررنگی در آن ندارند. رویکرد مشارکتی مبتنی بر حکمرانی جنگل از یک‌طرف، سبب انگیزه همکاری مردم محلی و سایر ذی‌نفعان در اعمال قوانین کنترل جنگل با دولت می‌شوند و از سوی دیگر، توانمند ساختن مردم با دولت برای مشارکت در منافع و مدیریت توسعه جنگل و تجاری نمودن آن به رفع فقر و متنوع کردن منابع درآمدی آن‌ها کمک می‌کند.

شدت نفوذ و وابستگی هر یک از مضامین فراگیر نشان می‌دهد که معیارهای ضعف در مشارکت تأمین مالی بخش خصوصی - دولتی (C1) و فقدان ارتباطات و نشر دانش حوزه جنگل برای ذی‌نفعان (C3) از نوع وابسته است؛ بنابراین این معیارها اصولاً دارای تأثیرپذیری بالا و تأثیرگذاری کمی روی سیستم می‌باشند. ماهیت مشارکتی، میان‌رشته‌ای، چندجانبه و بلندمدت تحقیق و مدیریت اکوسیستم اجتماعی برای توسعه پایدار، سرمایه‌گذاری برای همه بخش‌های جامعه از جمله بخش خصوصی، تعاونی و ... ضروری است. تأمین مالی دولتی -

خصوصی اجازه می‌دهد تا هزینه‌های سرمایه‌گذاری بین سهامداران و ذی‌نفعان تقسیم شود و در راستای فقدان ارتباطات و نشر دانش حوزه جنگل برای ذی‌نفعان باید به همکاری بین دانشمندان رشته‌های مختلف (بین‌رشته‌ای و فرا رشته‌ای)، مقامات دولتی از بخش‌های مختلف (جریان اصلی) و ذی‌نفعان با تخصص مربوطه، نیازمند سازوکارهای مناسب (انجمن‌ها، کارگاه‌ها، شبکه‌ها) و ارتباطات ماهر برای ترکیب، اشتراک‌گذاری و در دسترس ساختن دانش است. در این راستا نیازمند است که همکاری با جامعه دانشگاهی (بین‌رشته‌ای و فرا رشته‌ای)، همکاری با مقامات دولتی از بخش‌های مختلف، همکاری با ذی‌نفعان با تخصص مربوطه، تعریف سازوکار مشارکت توسط مجلس، ایجاد شبکه‌های همکاری و مشارکت، برگزاری کارگاه‌های مختلف در حوزه حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کشور برای شهروندان و برگزاری کارگاه‌های مختلف در حوزه حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کشور برای مدیران ضروری است.

بررسی موانع مشارکت نشان داد که مهم‌ترین عامل بازدارنده مشارکت مردم در مدیریت جنگل، ذی‌نفع نبودن مردم محلی در مدیریت و عدم استفاده از دانش بومی می‌باشند. ذی‌نفع نبودن مردم محلی در مدیریت باعث می‌شود که مردم قادر به استفاده از

مزایای مدیریت جنگل نباشند. این امر می‌تواند انگیزه مردم محلی برای مشارکت در فرآیند مدیریت جنگل را کاهش دهد. مشارکت مردم در طرح‌های مدیریت جنگل بیشتر معطوف به فرآیندهای اجرایی می‌باشد. این امر می‌تواند باعث نادیده گرفتن خواست و توقع مردم محلی در فرآیند برنامه‌ریزی شود. اگر برنامه‌ها و طرح‌ها با نیازهای مردم همخوانی نداشته باشند، مردم انگیزه کافی برای مشارکت را ندارند. این وضعیت خود می‌تواند باعث عدم پذیرش اجتماعی و شکست طرح‌ها و برنامه‌های احیایی شود. وابستگی بالای مردم به جنگل و عدم توجه به این وضعیت در برنامه‌ریزی‌ها نیز یکی از عواملی است که تمایل به مشارکت را کاهش می‌دهد. اگرچه وابستگی مردم به جنگل می‌تواند به‌عنوان یک محرک برای مشارکت در مدیریت جنگل‌ها باشد اما اقدامات تنبیهی سازمان جنگل‌ها با هدف مقابله با سرشاخه زنی، قطع

برنامه‌های محیط‌زیستی، رعایت استانداردها، اولویت دادن به این دستورالعمل‌ها و الزامات قانونی و گنجاندن آن‌ها در برنامه‌های کلان توسعه کشور پس از رفع کاستی‌ها و نارسایی‌ها در دستور کار قرار گیرد. هر پژوهشی با یکسری محدودیت روبرو است که در این پژوهش محدودیت‌هایی از جمله همکاری ضعیف خبرگان، محدودیت منابع مالی و عدم تعمیم‌پذیری در یافته‌های کیفی اشاره کرد. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود نقش مشارکت مردم محلی به‌طور خاص در اجرای خط‌مشی‌های حوزه جنگل بررسی شود و یا نقش مردم محلی در تدوین خط‌مشی‌های حوزه جنگل بررسی شود.

منابع

- Agenda 21. Available online: <http://www.unep.org/documents/default.asp?documented=52>. multilingual/
- Amini, M. R. Shataee Joybari, Sh., Moaieri, M. H., Ghazanfari, H. (2009). Deforestation modeling and investigation on related physiographic and human factors using satellite images and GIS (case study: Armerdeh forests of Baneh). *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 16 (3): 431-443
- Archer, S. (1990). Development and stability of grass/woody mosaics in a subtropical savanna parkland, Texas, USA. *Journal of Biogeography*, 453-462.
- Aslipour, H., & Sharifzadeh, F. (2015). Environmental Policy Making Strategy in the Context of Public Decision Making Conventional Theories. *Majlis and Rahbord*, 22(83), 245-272. [In Persian].
- Azar, A., & bayat, K. (2009). Designing a Model for "Business Process-Oriented" Using Interpretive Structural Modeling Approach (ISM). *Journal of Information Technology Management*, 1(1), p 183. [In Persian].
- Bijani M, Ghazani E, Valizadeh N, Haghghi NF (2017) Proenvironmental analysis of farmers' concerns and behaviors towards soil conservation in central district of Sari County, Iran. *Int Soil Water Conserv Res* 5(1):43-49
- Casaló LV, Escario JJ (2018) Heterogeneity in the association between environmental attitudes and pro-environmental behavior: a multilevel regression approach. *J Clean Prod* 175:155-163
- Cooper, T. L., Bryer, T. A., & Meek, J. W. (2006). Citizen-centered collaborative public management. *Public administration review*, 66, 76-88.

غیرمجاز و زغال‌گیری بدون برنامه‌های جایگزین مشوق می‌تواند مانع از مشارکت مردم در مدیریت جنگل شود. ارائه مشوق‌های معیشتی برای ثبات معیشت خانوار می‌تواند وابستگی به جنگل را کاهش داده و زمینه را برای مشارکت ایجاد کند. تقویت میزان آگاهی و معلومات جامعه محلی درباره این فواید و مزیت‌ها، می‌تواند عامل مهمی برای توسعه حس مسئولیت اجتماعی آن‌ها در خصوص حمایت از جنگل‌ها باشد و نگرش مثبت و انگیزش بیشتر روستائیان را برای مشارکت در موضوع بازسازی مناطق جنگلی به دنبال داشته باشد؛ علاوه بر این، تقویت سطح آگاهی و دانش روستائیان درباره فواید جنگل باعث می‌شود تا آن‌ها به‌مثابه مروجانی فعال عمل نموده و داوطلبانه مزایای جنگل را ترویج کنند. تقویت حس مالکیت مردم محلی نسبت به جنگل‌های هیرکانی، باعث می‌شود تا آن‌ها حداکثر تلاش خود را برای نگهداشت و بازسازی این اکوسیستم‌ها به‌منظور بهره‌مندی پایدار از فواید متعدد آن‌ها به‌کارگیرند.

برای رسیدن به حکمرانی پیاده‌سازی چند استراتژی هم‌زمان ضروری است.

الف) تقویت سامانه داده‌های اطلاعاتی، ساختارهای شفافیت و انجام برخط پایش‌ها و انتشار داده‌های آن در کنار ایجاد بستر نظارت همگانی می‌تواند ضمانت بسیار خوبی برای ایجاد حکمرانی در بخش جنگل را نوید دهد.

ب) تعامل جدی میان دولت‌مردان حوزه سیاست، کارشناسان و فعالان حوزه جنگل کمک شایانی به بهبود عملکرد دولت در این زمینه خواهد کرد. حتی در راستای حکمرانی، با تکیه بر اصل تمرکززدایی کامل، دولت می‌تواند با واگذاری بخشی از مسئولیت‌هایش به شهروندان در قالب دولت محلی، مشارکت واقعی آن‌ها در امور منطقه و کشور را عملی و از این طریق زمینه‌های تعامل میان سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی را فراهم آورد.

ج) تقویت بعد آموزشی و تخصصی محیط‌زیست برای کنشگران.

د) در بسیاری از برنامه‌های توسعه کشور موارد محیط‌زیستی خوبی دیده می‌شود اما توسط دستگاه‌ها اجرایی نمی‌شوند، بنابراین لازم است اجرایی کردن

- Declaration, R. (1992). Rio declaration on environment and development.
- Derkyi, M. A. A., Appau, Y., & Boadu, K. B. (2021). Factors influencing community participation in the implementation and monitoring of FLEGT-VPA in Ghana. *Forestry Economics Review*.
- Dye, T. R. (2013). *Understanding Public Policy*: Pearson.
- Ebrahimian, M., rajabi, H., & Karloi, H. (2022). Designing the policy implementation model of the entrepreneurial university based on science and technology policies. *Public Policy In Administration*, 13(47), 167-183. doi: 10.30495/ijpa.2022.69836.11014 [In Persian].
- Elliott S, Young T (2016) Nature by default in early childhood education for sustainability. *Aust J Environ Educ* 32(1):57-64
- FAO (2015) Strengthening criteria and indicators (C&I) for sustainable forest management (SFM) in policy and practice. In: *Lobal FAO C&I Expert Workshop*, FAO Rome, Italy, http://www.fao.org/forestry/42459-08248fccad99fbd1f1795db78417_a066b.pdf
- Gaventa, J., & Barrett, G. (2012). Mapping the outcomes of citizen engagement. *World development*, 40(12), 2399-2410.
- Gharedaghi, R. (2018). Identifying and Prioritizing the Components of Employees' Participation in Implementing Public Policy in the Field of Whole Countries' Municipalities. *Public Policy In Administration*, 9(3), 1-17. [In Persian].
- Hosseinzadeh, M. M., Derafshi, K., & Mirbagheri, B. (2013). Modeling forest extent change and its influencing factors, using logistic regression model in GIS environment, (case study: Vaz and Lavij basins). *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 21(1), 86-98.
- Islam, K.K., Jose, S., Tani, M., Kimihiko, H., Krott, M. and Sato, N. (2015), "Does actor power impede outcomes in participatory agroforestry approach? Evidence from Sal forests area, Bangladesh", *Agroforestry Systems*, Vol. 89, pp. 885-899.
- Jafari A, Kaji HS, Azadi H, Gebrehiwot K, Aghamir F, Van Passel S (2018) Assessing the sustainability of community forest management: a case study from Iran. *Forest Policy Econ* 96:1-8
- Jamison-Daniels, S. L., Kissling, W. D., Botha, M., Harris, M. A., Gordon, C. E., & Greve, M. (2021). The role of deterministic succession during forest development within a southern African savanna. *Biotropica*, 53(2), 466-476.
- Jamshidi S H, Amini Sabbegh Z, Sadeh E, Sheykholeslam Kandeloosi N.(2022). Analysis of the Relationships among Factors Affecting Public Policy Implementation Based on Interpretative Structural Modeling. *JMDP*; 34 (4) :27-61. [In Persian].
- Kim, S., & Lee, J. (2019). Citizen participation, process, and transparency in local government: An exploratory study. *Policy Studies Journal*, 47(4), 1026-1047.
- Macintosh, A., & Whyte, A. (2008). Towards an evaluation framework for eParticipation. *Transforming government: People, process and policy*, 2(1), 16-30.
- Mahdavi, A., & FALAH, S. S. (2012). Mapping forest cover change, using aerial photography and IRS-LISSIII imagery (Case study: Ilam Township).
- Marchi E, Chung W, Visser R, Abbas D, Nordfjell T, Mederski PS, Laschi A (2018) Sustainable forest operations (SFO): a new paradigm in a changing world and climate. *Sci Total Environ* 634:1385- 1397
- Menconi ME, Grohmann D, Mancinelli C (2017) European farmers and participatory rural appraisal: a systematic literature review on experiences to optimize rural development. *Land Use Policy* 60:1-11
- Mirzaei Zadeh, V. Mahdavi, A. Karamshahi, A., Jafarzadeh, A. A., (2016). Investigation of the spatial pattern of forest cover changes using logistic regression in Malekshahi. *Journal of Wood & Forest Science and Technology*, 23 (3): 45-68
- Monfared N, Yazdanpanah M, Tavakoli K (2015) Why do they continue to use pesticides? The case of tomato growers in Boushehr Province in Southern Iran. *J Agr Sci Tech* 17(3):577-588
- Mubarak, S., Zauhar, S., Setyowati, E., & Suryadi, S. (2020). Policy implementation analysis: exploration of george edward iii, marilee s grindle, and mazmanian and sabatier theories in the policy analysis triangle framework. *JPAS (Journal of Public Administration Studies)*, 5(1), 33-38.
- Ombogoh, D. B., Mwangi, E., & Larson, A. M. (2022). Community participation in forest and water management planning in Kenya: challenges and opportunities. *Forests, Trees and Livelihoods*, 1-19.
- Oso, A. O., & Babalola, F. D. (2021). Effect of stakeholders' involvement in forest policy implementation in southwestern Nigeria. *Journal of Research in Forestry, Wildlife and Environment*, 13(2), 161-167.
- Palerm, J. R. (1999). Public participation in environmental decision making: examining the Aarhus convention. *Journal of Environmental Assessment Policy and Management*, 1(02), 229-244.
- Ramazanian, M., Moradi, M., & Soltani, F. (2015). Analysis of cultural barriers to interoperability

- in the automotive supply chain using interpretative structural modeling approach. *Organizational Culture Management*, 13(2), 369-391. doi: 10.22059/jomc.2015.54106 [In Persian].
- Reddick, C. G. (2011). Citizen interaction and e-government: Evidence for the managerial, consultative, and participatory models. *Transforming Government: People, Process and Policy*, 5(2), 167-184.
- Royo, S., Yetano, A., & Acerete, B. (2011). Citizen participation in German and Spanish local governments: A comparative study. *International Journal of Public Administration*, 34(3), 139-150.
- Salari F, Yazdanpanah M, Yaghoubi J, Forouzani M (2019) Understanding Iranian livestock breeders' intentions and behavior regarding nonhuman animal welfare. *Society & Animals*, 1(aop), 1- 22
- Salman Mahiny, A., & Gholamalifard, M. (2005). Evaluation and modeling of the change of Gorgan area using satellite imagery and its applications in assessing the cumulative effects of development. *Journal of Environment*, 4, 25-32.
- Savari M, Gharechae H (2020) Utilizing the theory of planned behavior to predict Iranian farmers' intention for safe use of chemical fertilizers *Journal of Cleaner Production*, 121512
- Savari, M., Eskandari Damaneh, H., & Eskandari Damaneh, H. (2020). Factors influencing local people's participation in sustainable forest management. *Arabian Journal of Geosciences*, 13, 1-13.
- Suharti, S. (2001). Increased community participation in forest management through the development of social forestry programmes in Indonesia. *Balance between Biodiversity Conservation and Sustainable Use of Tropical Rain Forests. Wageningen the Netherlands. The Tropenbos Foundation.*
- Torkian M, Daneshfard K, Valikhani M, pilevari N.(2022). Presenting a model of effective factors on the implementation of Iran's crisis management policies with an interpretive structural approach. *JHRE*; 41 (178) :35-48. [In Persian].
- Ugwuanyi, B. I & Emma E.O. (2013). The Obstacle to effective policy implementation by the public bureaucracy in developing nations: the case of Nigeria. *Kuwait Chapter of Arabian Journal of Business and Management Review*. 2 (7), 100-128.
- Wilson, D. C., Raakjær, J., & Degnbol, P. (2006). Local Ecological Knowledge and Practical Fisheries Management in the Tropics: A Policy Brief. *Marine Policy*, 30(6), 794-801. <https://doi.org/10.1016/j.marpol.2006.02.004> [DOI:10.1016/j.marpol.2006.02.004.]
- World Bank. (2016). *World Development Report 2016: Digital Dividends*. Washington, DC: World Bank.
- Xiaodong, L., Xiaoping, L., & Feng, F. (2019, February). Research on Citizen Participation in the Implementation of Public Policy in Big Data Age. In *Journal of Physics: Conference Series* (Vol. 1168, No. 3, p. 032013). IOP Publishing.
- Yaghoubi Farani, A., Karimi, S., & Permozeh, F. (2017). Factors affecting people's participation in forest protection plans in Gilan-e Gharb. *Journal of Wood and Forest Science and Technology*, 24(2), 33-46. doi: 10.22069/jwfst.2017.11058.1577 [In Persian].



Analysis of the challenges of public policy implementation with an emphasis on citizens' participation (case study: the law on the protection and exploitation of forests in the north of Iran)

Davoud Hosseinpoor¹ - Mehdi Alvani² - Hossein Aslipour³ - Aghil Ghorbani Paji^{4*}

Abstract

Purpose: Universities have evolved based on the process of playing a role in four generations of education, research, entrepreneurship and regional influence. Therefore, The purpose of this study is to Design the spin-of companies Excellence Model in the context of Entrepreneurial University Ecosystem.

Research method: This research is applied-developmental in terms of its purpose and qualitative (Meta-Synthesis) in terms of implementation. The research community includes all the resources related to the entrepreneurial ecosystem and spin-of companies including the resources published from the scientific database in the period of 1390-1400 solar and 2000-2021 AD.

Findings: A total of 24 subcategories and 6 main categories were categorized. Finally, the identified codes were classified based on the content analysis approach of Strauss and Corbin's three-stage coding (open, central and selective). The identified components include environmental, organizational, educational, research, business and managerial factors. The results were presented in the form of a conceptual model for a better understanding of the excellence model of spin-of companies in the context of the Entrepreneurial University Ecosystem.

Results: In this research, a platform was provided where the findings of different studies were placed next to each other and presented in the form of a step-by-step model. In fact, the claims contained in different studies were almost in line with each other and did not contradict each other (in a way they were complementary and supportive of each other), as a result, the motivation arose to consider the very important dimensions that were scattered in 55 articles. They were mentioned (among the 6 identified dimensions) to be included in the form of a model that shows the excellence model of reproductive companies in the context of the academic entrepreneurship ecosystem.

Keywords: ecosystem, spin-off companies, entrepreneurial ecosystem, academic entrepreneurship.

¹ Associate Professor, Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. dhp748@gmail.com

² Professor, Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. sralvani@gmail.com

³ Assistant Professor, Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. aslipour@gmail.com

⁴ Corresponding Author: Phd student, Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, aghil.ghorbani92@gmail.com